



## فرهنگ سوزی در چهارشنبه آخر سال/چهارشنبه سوری یا سوزی

مثل بختک به جان شهرها می‌افتد، جان عده‌ای را می‌گیرد و خیابان‌ها را به میدان جنگ تبدیل می‌کند، این چهارشنبه سوری است که با فرهنگ ما ایرانی‌ها اصلاً عجین نیست.

مثل بختک به جان شهرها می‌افتد، جان عده‌ای را می‌گیرد و خیابان‌ها را به میدان جنگ تبدیل می‌کند، این چهارشنبه سوری است که با فرهنگ ما ایرانی‌ها اصلاً عجین نیست.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها - بیت‌الهدی؛ هیچکدام از رسوم چهارشنبه سوری که ما برگزار می‌کنیم شباهتی به آئین سنتی ایرانی‌ها ندارد، نیاکان ما در چهارشنبه آخر سال، فال می‌گرفتند، قصه می‌گفتند، آتش روشن کرده و از روی آن می‌پريدند، اما دیگر خبری از آتش زدن خار و پريدن از روی آن نیست و جایش را به ترقه داده و محله‌ها را به میدان جنگ تبدیل کرده است، آیا دیگر وقت آن نرسیده که آتش بس کنیم؟

اما در کتاب‌های تاریخی، فرهنگ کهن و غنی ایرانیان به گونه دیگری معرفی شده، آنها با الهام گرفتن از طبیعت و منش انسانی، به بهترین شکل ممکن، جشن برگزار کرده و دور هم شادی می‌کردند بدون اینکه کوچک‌ترین خطری آنها را تهدید کند.

ایرانیان قدیم، جشن‌های متفاوتی را برگزار می‌کردند، طول سال پر از جشن‌های خاص و متناسب با نام ماه بود، آنها بهانه‌های کوچکی برای شادمانی‌های بزرگ داشتند مثلاً جشن «سیر سوران» که در آن سیر می‌خوردند! اما ما امروز آن را به ددرسه‌های عظیم تبدیل کرده ایم.

در تقویم قدیم ایرانیان، هر سال ۱۲ ماه و هر ماه ۳۰ روز تمام داشت، ۳۰ روز ماه هر یک نام داشت، هر ۱۲ ماه هم، نامی داشت که در نام‌های سی‌گانه روزها تکرار می‌شد و هرگاه که نام روز و ماه یکی می‌شد آن روز را جشن می‌گرفتند؛ در این دوره برای روشنی و آتش، نور و خورشید احترام و تقدس زیادی قائل بودند، چرا که نور را مظهر زندگی و رویش، پاکی و تجلی وجودی خداوند می‌دانستند.

وقتی پای خاطرات پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌نشینیم تازه متوجه می‌شویم که این چهارشنبه سوری چه بلایی بر سر فرهنگ و تمدن ما آورده و تقریباً تمام رسوم و آداب و سنت ما را آتش زده است؛ تنها تحفه‌ای که از چهارشنبه سوری به ما می‌رسد، ترس و وحشت و آتش و دود و خون است.

البته رسانه‌ها نیز در این بین، کم‌مقصر نیستند، رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی به جای احیا کردن فرهنگ و رسوم نیاکان، منتظر می‌مانند تا گزارشی از چهارشنبه سوری تهیه کرده و تعداد جان باختگان را منتشر کنند و با نصیحت به نسل جوان، آنها را به دوری از این خطرات، تشویق می‌کنند اما جایگزینی برای آن معرفی نمی‌کنند! گزارشگران به جای رفتن به جمع پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و دور هم نشینی‌های زیر کرسی و [hellip&](#); به بیمارستان‌ها می‌روند و حتی از میزان خسارت‌ها و تعداد مصدومان چهارشنبه سوری گزارش زنده می‌دهند!

اگر سال‌ها پیش، جمع شدن دوستان و فامیل دور هم، مراسم قاشق زنی و روشن کردن بوته‌های کوچک آتش و پريدن از روی آن، به شب‌های چهارشنبه سوری شور و حال خاصی می‌داد، اما سال‌هاست که صدای آئین چهارشنبه سوری با وجود صداهاى مهيب انفجار نارنجک‌های دست‌ساز و ترقه در کوچه و خیابان شنیده نمی‌شود.

امروزه مراسم چهارشنبه سوری به انحراف کشیده شده و به یکی از ناآرام‌ترین شب‌ها تبدیل شده و در واقع، رسم چهارشنبه سوری تحریف شده است.

رسم مردم آذربایجان در چهارشنبه آخر سال

چهارشنبه سوری یکی از رسم و رسوم و سنت قدیمی ایرانیان است؛ اما این رسم در بین ما ایرانیان رنگ باخته است، امروز دیگر کسی از روی آتش نمی‌پرد جشن کهن را صداها و انفجارهایی به محاصره در آورده اند که گاهی جان عزیزان ما را می‌گیرند؛ چهارشنبه سوری دیگر سفیر شادی نیست.

وقتی پای خاطرات پدربزرگ ها و مادربزرگ ها می نشینیم تازه متوجه می شویم که این چهارشنبه سوری چه بلایی بر سر فرهنگ و تمدن ما آورده و تقریباً تمام رسوم و آداب و سنت ما را آتش زده تنها تحفه ای که از چهارشنبه سوری به ما می رسد، ترس و وحشت و آتش و دود و خون است

با این جشن قدیمی می توان طور دیگری کنار آمد؛ مثلاً می شود بوته آتشی افروخت و با شوق از روی آن پرید و چیزی خواند: " چهارشنبه سوری می کنیم، دل رو بلوری می کنیم"; گل چهارشنبه سوری، درد و بلا رو ببری"; می شود با یک خیز بلند از روی آتش پرید و خواند: " سرخی آتش مال ما"; زردی مال شما";

در همین آذربایجان ما، مردم در چهارشنبه آخر سال، آئین هایی را برگزار می کردند که به «آخر چارشنبه» یعنی چهارشنبه آخر معروف است؛ به اعتقاد قدیمی ها، عدد چهار، اصل و ریشه طبیعت جاودانه است، لذا اولین چهارشنبه را منسوب به باد می دانستند و اعتقاد داشتند در آن روز باد خواهد وزید، دومین چهارشنبه منسوب به خاک، سومین چهارشنبه به آتش و چهارمین چهارشنبه به آب بود که معتقدند بودند در این زمان از یخ بستن خاک کاسته شده و زمین نفس می کشد.

مطابق سنت قدیمی مردم آذربایجان، چهارشنبه هفته اول اسفند ماه را «چپله قووان» یعنی هفته ای که چله زمستان را فراری می دهد یا «پالانچی چارشنبه» یعنی چهارشنبه دروغین می نامیدند و با آئین هایی پایان فصل زمستان را جشن می گرفتند.

چهارشنبه هفته دوم اسفند ماه موسوم به «کوله چارشنبه» یعنی چهارشنبه کوتوله بود و سومین چهارشنبه نیز «موشنولوقچی چارشنبه» یعنی چهارشنبه پیام آور نامیده می شد و چهارشنبه آخر را «آخر چارشنبه» می گفتند.

#### خاطراتی شیرین از زبان قدیمی ها

ابوالفضل پوریوسف که دوران کودکی و نوجوانی اش را در یکی از روستاهای مرنند سپری کرده، در گفتگو با خبرنگار مهر، با اشاره به برخی رسم و رسوم پایانی سال در این روستا می گوید: «چهارشنبه آخر سال، پسران جوان یا نوجوان شالی برداشته و از سوراخ بالای بام خانه که برای تعویض هوا و خارج شدن دود تنور تعبیه شده بود، شال خود را پایین می انداختند، صاحبخانه نیز به فراخور حال خود، مقداری آجیل، شیرینی یا تخم مرغ رنگی در گوشه شال می بست تا پسر آن را بالا بکشد؛ چنانچه پسر، خواهان دختر خانواده بود، شال را بالا نمی کشید، اگر خانواده دختر راضی بود، نشانه ای از دختر را به شال می بست.»

وی تاکید می کند: «رسم شال اندازی در بیشتر نقاط آذربایجان رایج بود، اما امروزه دیگر خبری از این رسم نیست.»

اما لیلا غفاری که چهارشنبه آخر سال را در کنار فرزندان و نوه هایش سپری می کند، در گفتگو با خبرنگار مهر به آداب زنان در سال های نه چندان دور اشاره می کند و می گوید: «صبح آخرین چهارشنبه سال، زنان بر سر رود یا چشمه رفته، کوزه ها را پر از آب می کردند، آنها زودتر از همه از روی آب می پریدند، گاه دام ها را برای گذشتن از آب به سرچشمه یا رود می بردند، از آبی که از آنجا آورده بودند، برای خمیر کردن، روشن کردن سماور و یا پختن غذا استفاده می کردند.»

وی ادامه می دهد: «از جمله مراسم دیگری که در این روز معمول بود، فرستادن خوانچه ای از میوه و شیرینی برای عروس خانواده بود، در شب چله نیز خوانچه ای نظیر همین فرستاده می شد؛ خوردن هفت دانه روغنی، شیرینی یا غله نیز از مراسم رایج مربوط به چهارشنبه سوری در آذربایجان شرقی بود.»

آذربایجانی ها برای پریدن از روی آتش هم شعر خاص خود را دارند که به معنی آرزوی بخت گشایی و سلامتی است: «آئیل باتیل چارشنبه / بختیم آجیل چارشنبه» و «دردیم، بلام بو اوددا قالسین / باش آغیریم، دیش آغیریم بوردا قالسین».

بعضی از روستاییان نیز در آذربایجان اسپند دود کرده و در ۲ طرف در خانه می ریزند تا اهل خانه از چشم حسود و بیگانه در امان باشند، در برخی روستاهای منطقه هنوز رسم رفتن به سر چشمه و آب تازه آوردن باقی است، در گذشته نه چندان دور برای این روز مردم لباس های تر و تمیز و تازه خود را می پوشیدند و کوزه تازه ای که در بین اقلام خرید چهارشنبه قرار داشت از آب تازه پر می کردند و چایی صبحانه روز چهارشنبه شأن از همان آب تهیه می شد.

## حاجی فیروزهای مرنده

اما میرهدایت سید مرنده، مورخ و دکترای تاریخ، در گفتگو با خبرنگار مهر با تشریح رسم و رسوم مردم مرنده در چهارشنبه های آخر سال گفت: «تا ۳۰ یا ۴۰ سال قبل در شهر مرنده چهارشنبه پایانی سال، آتش روشن می کردند و هرکدام از چهارشنبه ها نیز اسم خاصی داشت مثل یالانچی چرشنبه، کوله چرشنبه وhellip».

وی افزود: «مردم مرنده یک رسم منحصر به فرد داشتند و آن اینکه آخیرچرشنبه را دو روز می گرفتند یکی آخرین سه شنبه سال را که متعلق به مرنده ها بود و روستاییان حق آمدن به شهر و بازار را نداشتند و دیگری خودچهارشنبه که به «کدیلر چرشنبه سی» معروف بود و مرنده ها برای خرید به بازار نمی رفتند.»

این مورخ مرنده خاطر نشان کرد: «یک مورد خاصی نیز که فقط در مرنده جاری بود و من آن را در سال ۱۳۶۰ در کتاب «آذربایجان صحیفه لری» تألیف مرحوم جاوید نوشته ام این بود که چندروز مانده به عید افرادی صورتشان را سیاه کرده و بر سر قیف های کاغذی گذاشته و بر سرکوی و برزن رقص و پایکوبی و شادی می آفریدند و تا از رهگذر پولی نمی گرفتند رهاپش نمی کردند.»

سید مرنده ادامه داد: «حاجی فیروزهای مرنده قیشدان چیخدیلار می خواندند: قیشدان چیخدیق یازه گیردیخ / بیرپول وئرن کؤینک آلاخ / کؤینک آلاخ؟ / کیمدن آلاخ؟ / کیمدن آلاخ؟ / حاجیدان آلاخ- هوجودان آلاخ...»

می بینید که تمامی این رسم و رسوم ها که در این مجال به برخی از آنها اشاره شد، چقدر شادی آور و روحیه بخش است و برخلاف چهارشنبه سوری امروز ما، هیچ آتش بازی و خطر و سوختگی وhellip مشاهده نمی شود که مهم ترین خصلت آن، جمع شدن اعضای خانواده و فامیل دور هم است.

چه باید کرد؟

امروزه پریدن از روی آتش های گول پیکر و استفاده از مواد محترقه در چهارشنبه آخر سال به مسأله و دغدغه ای بزرگ برای خانواده ها تبدیل شده و پایان سال و آغاز سال دردناکی را برای آنان رقم زده است.

مهم ترین علت وجود برخی معضلات ناشی از چهارشنبه سوری، آگاهی نداشتن مردم و کمبود فضاهای فرهنگی تفریحی است؛ نوجوانان و جوانان باید انرژی خود را تخلیه کنند اما وقتی مکان تفریحی و یا سرگرمی هایی برای آنها تعبیه نشود، انباشت هیجان آنها رفته رفته خطرناک می شود.

نهادهای فرهنگی مثل شهرداری و سایر نهادها با تعیین و معرفی مراکز و پارک های معین برای برگزاری جشن چهارشنبه سوری، با برنامه ریزی یک جنگ شادی، موقعیت مناسبی برای خانواده ها فراهم کنند تا در کنار فرزندان خود چند ساعت شاد و سرگرم باشند.

نیروی انتظامی هم باید با قاطعیت با سازندگان و عرضه کنندگان اقلام غیراستاندارد که خیابان ها را به میادین جنگ تبدیل می کنند برخورد کرده و آنها را به مجازات برساند؛ همچنین نهادهای مسئول با تولید و عرضه اقلام استاندارد ضمن اینکه از ورود اقلام تقلبی و خطرناک و خروج ارز جلوگیری می کنند، موقعیت مناسبی برای استفاده از اقلام ایمن فراهم سازند.

از طرفی خانواده ها و صداوسیما هر روز خطرات رفتارهای پرخطر را به نوجوان و جوانان یادآوری نمایند و در کنار آن رسم و رسوم گذشته را تبیین کنند تا امسال کم خطرترین، آرام ترین و شادترین چهارشنبه سوری را در کنار هم سپری کنیم.